



بحث، افسران ارشد آمریکایی بعضاً با برنامه‌های سیاستمداران یا حتی نظامیان برجسته مخالف بودند و در این مصاحبه‌های شفاهی مخالفت‌ها گفته شده است. حتی آنهایی که مخالفت خودشان را ابراز علنی می‌کردند، معمولاً کنار گذاشته می‌شدند و مورد توجه نبودند.

در همین فضا مجدداً این کتاب این اشاره را دارد که آمریکایی‌ها در اول قرن جاری، موضوع دستیابی به صلح مورد توجه آنها بوده است. پترائوس در ۲۰۰۹ در دانشگاه هاروارد می‌گوید «باید راهی برای آشتی وجود داشته باشد». مفهوم این حرف پترائوس این است که همان موقع اینها به این درک رسیده بودند که نمی‌توانند این وضع را خیلی ادامه دهند و باید دنبال راه‌حلی باشند. اینکه چقدر این مسئله می‌توانست در بدنه‌ی سیاسی هیئت حاکمیت توسعه پیدا کند، تجربه نشان داد که زمان برد تا زمانی که این اتفاق افتاد. در همین بخش، معاون سیاسی وزارت خارجه‌ی طالبان مدتی قبل اعلام کرد که ما مذاکرات پنهان خودمان با آمریکایی‌ها را از سال ۲۰۰۷ آغاز کردیم (و خود من درگیر بودم). بنابراین این نشان می‌دهد که